



## نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی

علیرضا مرادی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۳/۱۴

### چکیده:

هدف این مقاله بررسی نقش میراث فرهنگی در حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه است. یکی از چالش‌های اساسی کشورهای در حال توسعه، در برخورد با پدیده جهانی شدن و مواجهه با فرهنگ جدید، از خود بیگانگی فرهنگی و بحران هویتی است. گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهد. بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری، مصنوعات و نظایر آن به‌عنوان میراث فرهنگی یکی از مؤثرترین عوامل هویت‌بخش جامعه هستند که حفظ آنها موجب پایداری و بقای فرهنگ است. حفظ، تقویت و شناساندن هویت فرهنگی، موجب خودآگاهی و بازگشت به خویش‌شناسی شده و عامل مؤثری در مقابله با از خود بیگانگی است - که یکی از معضلات اساسی جوامع رو به رشد و توسعه است - زنده نگه داشتن و توجه به میراث فرهنگی، مستلزم شناخت و شناساندن این میراث گرانقدر به اعضای جامعه، به‌خصوص نسل جوان و نوجوان کشور می‌باشد. مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به‌جا مانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه، ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. همچنین با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل مؤثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، میراث فرهنگ و هویت فرهنگی.

## مقدمه

آنچه در این میان همه این کوشش‌ها را با مشکل روبرو کرده است، وسعت زیاد مفهوم فرهنگ و کاربردهای ناهمگون و مختلف آن است (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۲). فرهنگ عبارت است از: ارزش‌هایی که یک گروه معین از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند و تمام اشکال زندگی یک قوم، از جمله پایه‌های تفکری آن را تشکیل می‌دهد و تمام زمینه‌های فنی موجودیت آن قوم (از جمله البسه، ساختمان و ابزار) را در بر می‌گیرد (وحید، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

براساس تعریف تایلور<sup>۱</sup> در سال ۱۸۷۱ «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات، رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی برعهده دارد». فرهنگ را می‌توان به فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تقسیم‌بندی کرد. فرهنگ مادی به مجموعه‌ای از پدیده‌ها اطلاق می‌گردد که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین علمی و کمی است، مانند فنون، ابزارهای کاربردی و تولیدی، وسایل و آثار معماری. فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که با موازین کمی قابل اندازه‌گیری نیست و به آسانی نمی‌توان آنها را مقایسه و ارزیابی کرد، مانند: معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و به‌تبع از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه‌ای است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. اگرچه به‌هم پیوستگی فرهنگ مادی و غیرمادی به ظاهر مشخص نباشد؛ ولی این پیوند و تأثیر، به‌تدریج و با توجهی اندک برملا می‌شود. برای مثال ویرانی یک قنات نه تنها به بنیه اقتصادی و اجتماعی لطمه می‌زند، بلکه سنن اعتقادی و باورهای قومی را نیز دستخوش زلزله می‌سازد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۲۵-۱۷).

## هویت فرهنگی<sup>۲</sup>

فرهنگ و هویت فرهنگی تا حدود زیادی دارای سرنوشتی به‌هم پیوسته‌اند. اما فرهنگ، بیشتر با فرایندهای ناخودآگاه در ارتباط است و هویت با هنجاری از تعلق در ارتباط است که الزاماً

یکی از چالش‌های اساسی کشورهای در حال توسعه، ضعف هویت فرهنگی افراد جامعه در مواجهه با عناصر فرهنگی بیگانه و وارداتی جوامع توسعه‌یافته در بستر پدیده جهانی شدن است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، در برخورد با فرهنگ بیگانه و امپریالیسم فرهنگی، عناصر فرهنگی ملی و محلی از بین رفته یا تضعیف می‌شود و عنصر فرهنگی جدید وارداتی به آسانی جایگزین آن می‌گردد. با توجه به اینکه حفظ هویت فرهنگی پشتوانه اساسی فرهنگ یک جامعه است و ضعف و نابودی آن موجب بی‌هویتی افراد آن جامعه می‌شود، لزوم حفظ و تقویت این هویت و عناصر فرهنگی آن ضروری می‌باشد. ملت و سرزمین ایران یکی از معدود تمدن‌های باستانی است که به‌رغم تجاوز سایر ملل در طول تاریخ، توانسته است هویت ایرانی و اسلامی خویش را حفظ و پاسداری کند. به همین دلیل است که لزوم حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان اساس و پشتوانه بی‌بدیل هویت ملی و فرهنگی کشور، ضرورتی تام و غیرقابل انکار می‌یابد.

در این مقاله به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی نظرات و عقاید اندیشمندان حوزه فرهنگ و میراث فرهنگی پرداخته شده است و رابطه فرهنگ و میراث فرهنگی گذشتگان و نقش آن در حفظ هویت فرهنگی جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

## فرهنگ<sup>۱</sup>

واژه فرهنگ (far-hang) به‌معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و هنرهای یک قوم و کتابی شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آنهاست، تعریف شده است (معین، ۱۳۸۲: ۲۵۳۸). فرهنگ به‌معنای علم و دانش، ادب و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز کتاب لغت، کتابی شامل لغات یک زبان و شرح آنهاست (عمید، ۱۳۸۲: ۱۸۳۷).

مفهوم فرهنگ همواره از رایج‌ترین، آشناترین و در عین حال پیچیده‌ترین و پر ابهام‌ترین مفاهیم مورد استفاده در علوم اجتماعی است. برخی از پژوهشگران و صاحب‌نظران تلاش‌های بسیاری در جهت توصیف و تبیین فرهنگ صورت داده‌اند؛ اما

1. Culture

2. Edward B.Taylor

3. Cultural Identity

خودآگاه است، زیرا بر تضادهایی نمادی مبتنی است. مسئله هویت فرهنگی، به‌طور منطقی و در مرحله نخست با مسئله گسترده‌تر هویت اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند که هویت فرهنگی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن است. میان تصور از فرهنگ و برداشت از هویت فرهنگی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در نظر کسانی که فرهنگ را نوعی «طبیعت دوم» می‌دانند، که همچون میراثی به فرد می‌رسد و نمی‌توان از آن اجتناب کرد، هویت داده‌ای است که فرد را یک بار برای همیشه تشخیص می‌بخشد و بر او به صورت تقریباً محو‌نشده اثر می‌گذارد. از طرفی در رویکرد فرهنگ‌گرا، بر میراث زیست‌شناختی که تعیین‌کننده نیست، تأکید نمی‌شود؛ بلکه برعکس بر میراث فرهنگی تأکید می‌شود که با اجتماعی شدن فرد در درون گروه فرهنگی خود در ارتباط است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۴۲). هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود است. این خصوصیات که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به عبارت دیگر گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهد. هر جامعه‌ای معمولاً در همه جا و همه وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تأکید می‌کند و می‌کوشد که با قدرت و غرور مشخصه‌های این هویت را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند. هویت فرهنگی یک جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخی، زبانی، روانشناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هرگاه این عوامل به‌طور کامل در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می‌شود. تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایدئال است. هرگاه یکی از عوامل مزبور تحت تأثیر قرار گیرد، شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می‌کند و این تغییرات ممکن است تا آنجا ادامه یابد که موجب یک «بحران هویتی» شود (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). آنچه گروه‌های قومی - فرهنگی را از یکدیگر جدا می‌کند در درجه اول، تفاوت فرهنگی نیست. یک جماعت با پذیرفتن نوعی کثرت فرهنگی در درون خود، می‌تواند به‌طور کامل عمل کند. چیزی که

جدایی یا مرز پدید می‌آورد، اراده متمایز ساختن خویش و به کار گرفتن برخی ویژگی‌های فرهنگی به عنوان مشخص‌کننده هویت ویژه خویش است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۶۲). هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، انسان‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در واقع بدون هویت اجتماعی، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. بنابراین بحران هویت و معنا زندگی اجتماعی را به صورتی جدی مختل می‌کند و افراد و گروه‌ها ناچارند این بحران را حل کنند. بی‌گمان بازسازی هویت تنها راه انجام این مهم است (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۸). فرهنگ را می‌توان مهمترین منبع هویت انسان‌ها دانست. افراد و گروه‌ها با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی، هویت می‌یابند، زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به ممتاز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. به بیان دیگر، فرهنگ هم تفاوت‌آفرین است و هم انسجام‌بخش. هر شخص هنگامی که زندگی را به شیوه خاصی سازمان می‌دهد، در واقع خود را در چارچوب دنیایی قرار می‌دهد که به‌واسطه مرزها و تفاوت‌های فرهنگی از دنیاهای دیگر جدا می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۹).

فرهنگ این میراث جهانی بشریت، در همه مکان‌ها و همه زمان‌ها یکسان نیست. هر قاره‌ای، هر کشوری، هر شهری، دارای ویژگی‌هایی است که در قاره، کشور، شهر و ده دیگر عیناً مانند آن یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، سنتی و هنری هر جامعه‌ای باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه، در عین حال که با فرهنگ بشری هماهنگ است، دارای ویژگی‌های مختص به خویش باشد و مجموعه این ویژگی‌هاست که هویت فرهنگی هر منطقه و جامعه را مرزبندی می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). دستاوردها و اندیشه‌های فرهنگی با مرزبندی‌هایی همچون فرهنگ جهانی، فرهنگ آسیایی و فرهنگ ایرانی متمایز می‌شوند. شناساندن هویت فرهنگی بر علاقه‌مندی و دل‌بستگی و بازگشت به خویش‌نشدن افراد می‌افزاید و یکی از داروهای مؤثر در درمان «ازخودبیگانگی» است (پارسا بروجنی و تحویلان، ۱۳۸۷: ۸۸). کشور ایران یکی از نخستین زادگاه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود که برخلاف بسیاری از تمدن‌های باستانی دیگر تداوم و

نمادسازی است. به‌وسیله زبان است که تصاویر ذهنی، معانی، مفاهیم و ارزش‌ها، نشانه‌گذاری می‌شوند و قابلیت بیان و انتقال پیدا می‌کنند. بنابراین زبان مهمترین جلوه‌گاه فعالیت انسان در عرصه نمادسازی است. البته بجز زبان، انسان از طریق خلق آثار هنری، تکنولوژی و نشانه‌های قراردادی موجود در جامعه نیز نمادسازی می‌کند و به استقرار و انتقال اندیشه خود می‌پردازد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۳۶).

میراث فرهنگی به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملموس، عبارتند از: بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مانند نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، مصنوعات و نظایر آن. کنوانسیون یونسکو در سال ۱۹۷۲ موارد زیر را به‌عنوان میراث فرهنگی در نظر گرفته است:

(الف) بناهای یادبود: آثار معماری، آثار عظیم مجسمه‌سازی و نقاشی، عناصر یا ساختارهای واجد ماهیت باستان‌شناختی که دارای ارزش جهانی هستند.

(ب) گروه‌هایی از بناها: گروه‌هایی از بناهای جداگانه یا بهم پیوسته، به‌خاطر معماری‌شان، همگونی‌شان یا جایگاه‌شان در چشم‌انداز.

(ج) آثار انسان یا آثار مشترک انسان و طبیعت (تراسبی، ۱۳۸۲: ۶۹). برای پایداری و بقای فرهنگ ایرانی، باید به میراث فرهنگی اهمیت داد. درواقع از مشخصه‌های فرهنگ ملی، میراث فرهنگی یک کشور است. زنده نگه داشتن میراث فرهنگی، به‌معنای نادیده گرفتن تحولات جهان امروز نیست، بلکه مراد از آنها ارزیابی مجدد این میراث با معیارهای تازه و بازیافتن عناصر زنده و دوام‌پذیر آن است. حفظ و نگه‌داشتن و توجه به میراث فرهنگی مستلزم شناخت و شناساندن میراث فرهنگی گرانقدر ایران است و مهم‌ترین عناصر میراث فرهنگی عبارتند از: زبان، ادب، اندیشه، فرهنگ عامه، هنرهای ملی، مجموعه آثار مکتوب، اشیاء، بناها و مکان‌های تاریخی (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

### میراث فرهنگی و هویت فرهنگی

شاین<sup>۲</sup> فرهنگ را به سه سطح تقسیم می‌کند. در سطح ظاهری، مصنوعات بشرساز وجود دارد، در عقبه این مصنوعات،

پیوستگی حیات را تا به امروز حفظ کرده است. آثار به‌جا مانده از تمدن‌های ایلامی، سومری، غزنوی، سلجوقی، مغولی، تیموری، صفوی، زندیه، قاجاریه و دیگر تمدن‌ها مجموعه عظیمی را تشکیل می‌دهد که نه تنها اساس هویت و فرهنگ ملی و دینی ایرانیان محسوب می‌شود؛ بلکه به‌عنوان بخش مهمی از تمدن و فرهنگ جامعه بشری مورد توجه و علاقه مردمان مختلف جهان است. ایران سرزمینی است پهناور که مردم آن از گروه‌های مختلف نژادی و قومی تشکیل شده است و هر کدام از آنها از هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود برخوردارند (وارثی، ۱۳۸۴: ۸۵).

### میراث فرهنگی<sup>۱</sup>

جهان سرشار از میراث است. هر شهر و دهکده‌ای چند بنا یا مکان تاریخی، مجموعه‌ای از دست‌ساخته‌ها، یا سنت یا رسمی محلی دارد که حفظ آنها سبب ارتباط ساکنان با گذشته خود می‌شود. در انتهای دیگر طیف، موزه‌ها و گالری‌های بزرگ جهان که گنجینه‌های هنری گرانبهایی دارند، شهرهای تاریخی، بناهای تاریخی و مکان‌هایی که گردشگران از آن بازدید می‌کنند، همگی نشان‌دهنده میراث بین‌المللی‌اند که تقاضای زیاد و همواره روبه‌افزایشی برای آنها وجود دارد (تراسبی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). تجلی فرهنگ در رفتار، تنها محدود به رفتارهای رسوب‌بندی شده نیست. به عبارت دیگر، فرهنگ تنها در قالب رفتارهای متضمن معنی و تعیین‌کننده شکل یا شیوه رفتار، متجلی نمی‌شود؛ بلکه فراتر از این‌ها، در تغییراتی که انسان در طبیعت ایجاد می‌کند، نیز بارز می‌شود. از جمله در ابزار و آثار که آنها هم معانی را در خود حفظ می‌کنند. این مجموعه را می‌توان «آثار فرهنگی» نام نهاد که شامل ابزارها نیز می‌شود. آثار مزبور مادی هستند و به کار عمل می‌آیند و بعد از خلق بیشتر مادی هستند تا معنوی، اما همیشه مبین معنایی هستند که در خلق آنها منظور شده و همیشه وابسته به حوزه معنا باقی می‌مانند (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۶۵).

مفهوم «نماد» در شرح و تعریف فرهنگ، جایگاهی بنیادین دارد. اصولاً قابلیت نمادسازی و وجود نمادهایی که گویای معانی جاری در حیات اجتماعی انسان هستند، وجه تمایز انسان و سایر حیوانات است. زبان نیز مهمترین جلوه فعالیت انسان در

1. Cultural heritage

2. Edgar Shein

افسانه‌ها، تشریفات، جشن‌ها و مراسم هستند. مهمترین نکته درخصوص این سطح فرهنگ این است که مشاهده آن آسان و کشف رمز آن بسیار مشکل است. مصریان و اقوام مایایی ساکن مکزیک هر دو اهرام بسیار دیدنی و بزرگ می‌ساختند؛ اما مفهوم اهرام در هر فرهنگی بسیار متفاوت بود. در یک فرهنگ آرامگاه و در فرهنگ دیگر هم معبد و هم آرامگاه مورد نظر بود( شاین، ۱۳۸۳: ۴۰). با توجه به نقش آثار فرهنگی و مصنوعات بشرساز در حفظ و یا تغییر ارزش‌ها، هنجارها، پیش‌فرض‌ها، باورها و هویت فرهنگی اعضای جامعه، حفظ این آثار و ابنیه فرهنگی از ضرورت‌های اساسی فرهنگ ملل و اقوام مختلف محسوب می‌شود (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵).

بناهای کهن به‌عنوان معرف میراث تمدن اقوام و ادوار گذشته، از دیدگاه‌های مختلفی مورد توجه است و نگهداری و مرمت می‌شود. یکی از این دیدگاه‌ها شناسایی فرهنگ و هویت فرهنگی است. متأسفانه زلزله و سیل و گزند باران و تابش آفتاب و تأسّف بارتر طرح‌های جامع شهری و ایجاد خیابان و بلوار مستقیم، چه بسیار بناهای کهن و بافت‌های سنتی و تاریخی شهرها را ویران ساخته و می‌سازد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). در طراحی برنامه‌های توسعه آنچه اهمیت دارد، توجه به هویت‌های ملی است. هیچ‌الگوی توسعه وارداتی را نمی‌توان بکار برد، یا آن را تکمیل کرد مگر آن‌که با ویژگی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی هماهنگی داشته باشد. توسعه واقعی بدون توجه به ابعاد فرهنگ ملی و احترام به هویت فرهنگی ملت‌ها تحقق نخواهد یافت. هویت فرهنگی در ارتباط و تماس با سنت‌ها و ارزش‌های ملل دیگر است که نو و غنی می‌شود و امکان تعالی و شکوفایی انسان را افزایش می‌دهد. بنابراین توسعه و حفظ دستاوردهای فرهنگی منطقه‌ای و ملی ضرورتی تام دارد، چرا که دستاوردهای فرهنگی مطمئن‌ترین ضامن توسعه مستقل است، هویت فرهنگی را تقویت می‌کند و قوه خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۲).

فرهنگ چند هزار ساله ایران، آثار و بقایای زندگی گروه‌ها، حکومت‌ها و مردم متفاوتی را حفظ کرده است. تردیدی نیست

ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری نهفته و در عمیق‌ترین سطح، هسته‌ای از باورها و پیش‌فرض‌ها<sup>۱</sup> قرار گرفته است و باورها و پیش‌فرض‌ها، هسته فرهنگ را شکل می‌دهند. از منظر اعضای یک فرهنگ، مجموعه پیش‌فرض‌های آنان درست و حقیقی‌اند و آنچه فرض می‌کنند و یا باور دارند واقعیت است و نوعاً جای بحث و جدل ندارد. ارزش‌ها<sup>۲</sup>، اصول، اهداف و استانداردهای اجتماعی موجود درون یک فرهنگ هستند که از اهمیت ذاتی برخوردارند. ارزش‌ها مبنایی برای قضاوت در مورد آنچه درست است و آنچه غلط، شکل می‌دهند. بر این اساس از آنها به‌عنوان منشورهای اخلاقی و معنوی یاد می‌کنند. هنجارها<sup>۳</sup> به‌طور تنگاتنگی با ارزش‌ها گره می‌خورند. هنجارها قواعد نانوشته‌ای هستند که به اعضای فرهنگ اجازه می‌دهند آنچه از آنها انتظار می‌رود، در دامنه وسیعی از موقعیت‌ها بدانند. اعضای یک فرهنگ، ارزش‌ها را حفظ و هنجارهای فرهنگی را رعایت می‌کنند، زیرا باورها و پیش‌فرض‌های بنیادی، این هنجارها و ارزش‌ها را حمایت می‌کنند. هنجارها و ارزش‌ها به سهم خود فعالیت‌هایی را تشویق می‌کنند که مصنوعات بشرساز<sup>۴</sup>، سطح ظاهری فرهنگ را تولید می‌کنند. مصنوعات بشرساز بسط بیشتر یا نشان‌دهنده هسته فرهنگی مشابهی است که ارزش‌ها و هنجارها را حفظ می‌کند. مصنوعات بشرساز به‌عنوان مظاهر هسته فرهنگی است که در سطح ظاهری یک فرهنگ قرار دارند. مصنوعات بشری آثار نمایان و ملموس رفتار متجلی شده در هنجارها، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های فرهنگی هستند. طبقه مصنوعات بشرساز شامل موارد زیر است: اشیاء فیزیکی تولید شده به‌وسیله اعضای یک فرهنگ مانند هنر، ساختمان‌ها، لباس و اشیاء مادی. مظاهر کلامی که در زبان نوشتاری و کلامی دیده می‌شود و شاعر، آیین و رسوم که مظاهر رفتاری است (هچ<sup>۵</sup>، ۱۳۸۴: ۳۵۳-۳۴۴). به‌طور کلی در سطح بیرونی فرهنگ، مصنوعات یا دست ساخته‌ها قرار دارد که شامل تمام پدیده‌هایی می‌شود که دیده شده، شنیده می‌شود و احساس می‌شود. این مصنوعات شامل معماری، محیط فیزیکی، زبان، تکنولوژی و محصولات، خلاقیت‌های هنری، سبک زندگی و پوشش و لباس، نمایش‌های احساسی و عاطفی،

1. Assumptions  
2. Values  
3. Norms

4. Artifacts  
5. Mary Jo Hatch

می‌گردد و بدیهی است جامعه‌ای که هویت فرهنگی قوی نداشته باشد به سادگی آماده پذیرش هرگونه عنصر فرهنگی بیگانه‌ای است که به آن ارائه و یا تحمیل می‌گردد.

در برخورد با پدیده جهانی شدن آنچه دارای اهمیت است، حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه است که جز با حراست و پاسداری از میراث گذشتگان اعم از میراث فرهنگی مادی یا معنوی حاصل نمی‌گردد. ملتی که پیشینه ملی و فرهنگی خود را از دست داده باشد، جامعه‌ای آسیب‌پذیر خواهد بود و به آسانی در معرض فروپاشی اجتماعی قرار می‌گیرد. حفظ، تقویت و شناساندن هویت فرهنگی، موجب خودآگاهی و بازگشت به خویش‌تن شده و عامل مؤثری در مقابله با از خود بیگانگی است، که یکی از معضلات اساسی جوامع رو به رشد است.

کشور ایران به‌عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری برخلاف بسیاری از تمدن‌های باستانی تداوم و پیوستگی حیات خود را تا به امروز حفظ کرده و به‌عنوان بخش مهمی از تمدن و فرهنگ بشری مورد توجه و علاقه مردم مختلف جهان است. سرزمین پهناور ایران از نژادها و اقوام مختلفی تشکیل شده است و هر کدام از آنها، دارای هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود می‌باشد که می‌تواند به‌منزله سرمایه فرهنگی و اجتماعی آن محسوب گردد. زنده نگه‌داشتن و حفظ موارث فرهنگی، به‌معنای نادیده گرفتن تحولات جهان امروزی نیست؛ بلکه مقصود از آن ارزیابی و باز شناختن مجدد این میراث با معیارهای تازه‌ای است که باعث دوام و پایداری آن می‌گردد. حفظ، زنده نگه داشتن و توجه به میراث فرهنگی، مستلزم شناخت و شناساندن این میراث گرانقدر به اعضای جامعه، به‌خصوص نسل جوان و نوجوان کشور می‌باشد. با در نظر گرفتن فرهنگ ملی و احترام به هویت و ارزش‌های فرهنگی است که می‌توان امکان شکوفایی و متعالی شدن جامعه را فراهم کرد و به توسعه واقعی و مستقل دست یافت و افراد جامعه را در برابر هجوم عناصر فرهنگی بیگانه مقاوم ساخت. مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جا مانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضاء جامعه، ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. همچنین با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل

که هر فرد ایرانی باید وطن خود و آثار دوره‌های مختلف آن را بهتر بشناسد تا به کار پدران خود در ساختن بناها، مساجد زیبا، کاروان‌سراها، پل‌ها و هزاران شاهکار دیگر ارج بگذارد و از وجود این آثار به خود ببالد و با تکیه بر این میراث خود را برای ساختن آنچه زیباست و می‌تواند متعلق به حال و آینده باشد آماده کند (وارثی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور باید نسبت به مرمت و حفظ آثار فرهنگی و برنامه‌ریزی در جهت حفاظت از این بناها اقدام نمایند. چه بسیار بناهای فرهنگی در کشور وجود دارد که بدلیل عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح تخریب می‌گردد و جلوه‌ای از فرهنگ ملی و محلی از بین می‌رود. تاریخ پدیده‌ای غیرقابل تکرار است و با تخریب فضاهای فرهنگی و تاریخی یک قوم گوشه‌ای از فرهنگ و تاریخ آنان از بین خواهد رفت که غیرقابل بازگشت است. بسیاری از بناهای فرهنگی در حال تخریب است که با مدیریت صحیح و مرمت این آثار می‌توان علاوه بر جذب گردشگر داخلی و خارجی به غنای فرهنگ ملی و محلی اهتمام ورزید که باعث تقویت هویت فرهنگی می‌گردد. با محو شدن این آثار فرهنگی پیوند نسل‌های کنونی و آینده با گذشته فرهنگی و تاریخی خود گسسته می‌شود. بدیهی است نسلی که گذشته فرهنگی خود را از دست داده باشد فاقد هویت فرهنگی می‌گردد و آمادگی پذیرش هرگونه عنصر فرهنگی جدید، که به وی عرضه می‌شود را داراست که موجب شکل‌گیری نسلی بدون هویت می‌گردد و این نسل با گذشته فرهنگی خود پیوندی ضعیف داشته یا فاقد آن می‌باشد. بنابراین با حفظ عناصر مادی و معنوی فرهنگ می‌توان ملتی با پشتوانه قوی فرهنگی داشت که در برابر هجوم عناصر فرهنگی بیگانه و ضد فرهنگ‌ها مقاوم بوده و بتواند هویت خویش را حفظ کند (مرادی، ۱۳۸۸: ۲۳).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای دارای تاریخ، آداب و رسوم، عقاید، ادبیات، هنرها و آثار فرهنگی منحصر به خود می‌باشد که آن را از سایر جوامع متمایز ساخته و هویت فرهنگی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. هرگاه هر یک از این عوامل در یک ملت یا فرد وجود نداشته یا ضعیف باشد، هویت فرهنگی آن ملت دچار نقصان و آسیب

مؤثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور می‌باشد.

#### منابع:

- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۱). شهرداری، مدیریت، برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی، نشر: مشاور پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- پارسا بروجنی، اقدس و تحویلین، مهین (۱۳۸۷). ما و جهانی شدن، اصفهان، انتشارات هنرهای زیبا.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۴). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات: عطار، چاپ- هشتم.
- شاین، ادگار (۱۳۸۳). مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برزو فرهی بوزنجانی، شمس‌الدین نوری نجفی، تهران، ناشر: سیمای جوان، چاپ اول.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران، انتشارات ققنوس.
- عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- گرانپایه، بهروز (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه، تهران، ناشر: شریف، چاپ اول.
- مرادی، علیرضا (۱۳۸۸). «عصارخانه جلوه‌ای از هویت فرهنگی»، فصلنامه نجوای فرهنگ، سال چهارم، شماره سیزدهم، ص ۲۴-۱۵.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- وارثی، حمیدرضا (۱۳۸۴). «ایرانگردی گام نخست جهان گردی»، پیمایش، نشر: مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی - فرهنگ و هنر ۱ اصفهان.
- وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران، انتشارات باز.
- هج، ماری‌جو (۱۳۸۷). تئوری سازمان (مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن)، ترجمه

